

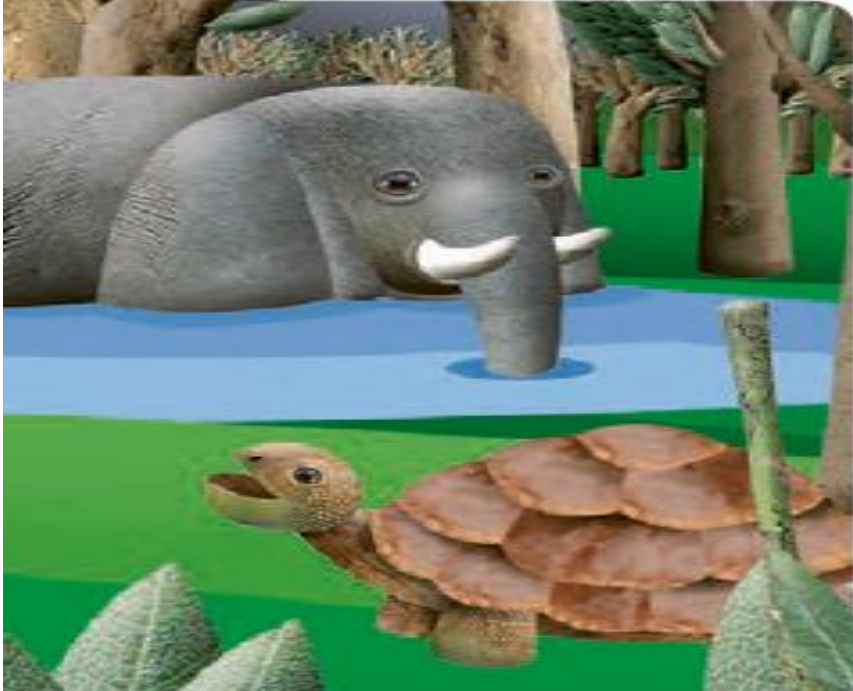
اگر جنگل نباشد


جنگل پهنادور و زیباست. صدای آرام نسیم در همه جای جنگل شنیده می شود. گاه نیز غرش و زوزه‌ی جانوران. سکوت جنگل را می شکند.

اگر روزی با هوابیما از بالای جنگلی بگذری، فرشی سبز، زیبا و گسترده می بینی که گاه صدها کیلومتر از زمین را پوشانده است. در این جنگل ها چه می گذرد؟ نمی دانیم. شاید پلنگی بر شاخه‌ی درختی، در کلبین نشسته باشد. شاید میمون های بازیگوش، بر شاخه ها مشغول بازی باشند. شاید فیل ها و گرگدن ها مشغول آب تنی در رودخانه ای باشند که از جنگل می گذرد. شاید هم در حاشیه‌ی جنگل، خانواده هایی سرگرم تفریح و استراحت باشند.

اگر جنگل نبود؛ چه می شد؟ شاید بگویند معلوم است؛ دیگر میز و صندلی، تخت خواب و کمد، در و پنجره، کاغذ، خانه های جنگلی، قایق و کشتی و هزاران وسیله‌ی چوبی دیگر نبود؛ اما لکن ها بخشی از فایده های جنگل است. اگر جنگل نباشد، اکسیژن مورد نیاز انسان فراهم نمی شود و مواد سمی هوا از بین نمی رود.

اگر جنگل نباشد؛ باران خاک را می شوید و از بین می برد. بادهای تندی که می وزند ممکن است همه چیز را





ویران کنند. اگر جنگل نباشد، یکی از بهترین محل های استراحت و گردش از انسان گرفته می شود.
باید جنگل ها را حفظ کنیم و مراقب باشیم که درختان از بین نروند.
اگر از جنگل مواظبت نکنیم، شاید در آینده دیگر نتوانیم داستان هایی بخوانیم که چنین آغاز می شوند: یکی بود یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود. روزی روزگاری در یک جنگل زیبا و دور... .

سیاوش شایان

کلمات هم خانواده

✓ مراقب - رقیب - رقابت

کلمات مخالف

سکوت \neq فریاد، همهمه

معلوم \neq نامعلوم، نامشخص

مشغول \neq بیکار

تند \neq آهسته

فایده \neq ضرر

حاشیه \neq مرکز

